

# اگر الف ادامه پیدا می‌کرد...

دست‌اندرکاران اصلی نشر الف از ضرورت وجود یک نرم‌افزار نشر فارسی می‌گویند

«نشر الف»، با همه کاستی‌هایی که داشت، نوگراترین برنامه نشر فارسی بود. پشتیبانی کامل از پست‌اسکرپت، آن هم در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰، کاری بود کارستان که اگر ادامه می‌یافت شاید به نتایج خیلی خوبی می‌رسید. علی‌هاشمی آرام و بی‌ادعا صحبت می‌کند، جامع‌الطراف بودن او در دانش نشر و تمیزی مثال‌زدنی است. هنگامی از او پرسیدیم حیفتان نیامد که این همه تحقیقات شما به نتیجه کامل نرسید، لبخندی زد و گفت: «داغ دل ما را تازه نکنید».

در میان گفت‌وگو خانم عساری هم از راه رسید و از علل عدم ادامه راه نشر الف گفت، یک حرف ایشان از خاطر م‌پاک نمی‌شود: «اگر نگاه کنونی را داشتیم، شاید در باره ادامه نشر الف جور دیگری تصمیم می‌گرفتیم».

به برنامه‌های نشر نگاه می‌کردیم؛ تصورمان این بود که شرکت‌های برنامه‌سازی و شرکت‌های تولید قلم‌های چاپی باید از هم جدا باشند، اما همان‌طور که می‌دانید در ایران این دو وظیفه در یک محیط انجام می‌گرفت و توقع ما تناسبی با بازار ایران نداشت؛ بازاری که اصلی‌ترین علت موفقیت بعضی برنامه‌های نشر، تعدد قلم‌های چاپی آن‌ها بود. پیش از زرنگار، برنامه‌ای به نام «صفحه‌آرا» انتخاب اصلی کاربران برای حروفچینی رایانه‌ای بود، اما کار با آن راحت نبود (ایراد دشوار بودن به نشر الف هم وارد می‌شد، اما غالباً از سوی کاربرانی که تجربه کار با ویندوز را نداشتند).

ما تقریباً کار خود را همزمان با زرنگار شروع کردیم. قضیه از آن‌جا شروع شد که هنگامی که روزنامه همشهری راه افتاد، شرکت گام الکترونیک در راه‌اندازی واحدهای رایانه‌ای آن نقش فعالی داشت. نیازهایی که بخش فنی همشهری داشت، ما را به این اندیشه انداخت که بهترین راه‌حل رایانه‌ای برای نیازهای چاپ چیست. می‌خواستیم با الهام از نیازهای حرفه‌ای روزنامه همشهری، برنامه نشر الف را - که پیش از تاسیس همشهری هم وجود داشت - توسعه دهیم. در مسیر جستجوهایمان با زبان پست‌اسکرپت آشنا شدیم، و دریافتیم که این زبان دنیای نشر رومیزی را قبضه کرده است، بنابراین کار روی پست‌اسکرپت را در دستور کارمان قراردادیم. در آن زمان چاپگر پست‌اسکرپت در ایران کمیاب بود و این ما را دچار مشکل کرد، در واقع محدودیت امکانات سخت‌افزاری از تعداد کاربران نشر الف می‌کاست. در مسیر حل این مشکل به برنامه‌هایی برخوردیم که امکان چاپ صفحه‌های پست‌اسکرپت را روی چاپگرهای متفرقه به کاربر می‌داد. ما در مسیر کار روی پست‌اسکرپت دچار

هاشمی: من اولین برنامه‌ام را در سال ۱۳۶۸ نوشتم. برنامه‌ای برای دفتر نشر آثار حضرت امام (ره)، در راستای رایانه‌ای کردن تمام آثار آن حضرت. مرکز نشر آثار امام (ره) از این برنامه، که نام «چشمه‌خورشید» بر آن گذاشته شد، استفاده زیادی کرد. فیش‌برداری یکی از امکانات این برنامه بود. همان زمان برنامه دیگری به سفارش یکی از نهادهای شهر قم نوشتم؛ آن‌ها می‌خواستند آثار فقهی را وارد رایانه کنند. نتیجه این همکاری برنامه «المعجم فقهی» بود در آن حدود پانصد جلد کتاب، به حجم تقریبی پانصد مگابایت، وارد رایانه شد. امکان وارد کردن کتب جدید هم در آن گنجانده شده بود، از دیگر قابلیت‌های آن امکان جستجو در متن و جستجو در ریشه لغات بود. یکی از آقایانی که در آن نهاد مشغول بودند به ما گفتند که «شما زحمت طلاب را خیلی کم کردید! زیرا یکی از مهارت‌های مجتهد، دانستن محل مطالب و موضوع‌های مختلف است». همین آقا با کمک برنامه مذکور یک کتاب نوشتند.

اما شروع کار ما در نشر و واژه‌پردازی به یک ویرایشگر متن فارسی باز می‌گردد. این برنامه اولین ویرایشگر متن فارسی محیط داس با امکان رنگی کردن متن بود. به یاد دارم هنگامی که می‌خواستند دستگاه تلکسی در ریاست‌جمهوری برپا کنند، از خاصیت رنگ زدن متن این برنامه برای طبقه‌بندی اخبار استفاده شد. یک برنامه هم برای جستجو میان متون و طبقه‌بندی موضوعی رنگ‌ها برایشان تهیه کردیم، و به این ترتیب اخبار طبقه‌بندی می‌شد. این قضیه‌ها به پیش از سال‌های ۷۱-۱۳۷۰ باز می‌گردد.

هنگامی که چاپگر لیزری در ایران زیاد شد، ما به فکر گسترش برنامه نشرمان افتادیم. البته در آن زمان به شکل خاصی

از  
دلمشغولی‌های  
آن زمان ما  
پیاده‌سازی خط  
نستعلیق در نشر  
الف بود. بعضی‌ها  
در امکان تحقق  
این کار شک  
داشتند.



متولد ۱۳۳۹.

علی هاشمی

دانش آموخته رشته

مهندسی سخت افزار

کامپیوتر از دانشگاه

صنعتی اصفهان است.

در سال ۱۳۶۸ در

شرکت گام الکترونیک

به عنوان برنامه نویسی

مشغول کار شد و

سرپرستی یک گروه

برنامه نویسی را

برعهده گرفت که

چندین برنامه مختلف

در حوزه های

گوناگون از جمله

«چشمه خورشید»،

«نشر الف»،

«نامه نگار» و «قرآن

نگار (تحت داس)» را

عرضه کردند. وی

سرپرست تیم

پژوهشی کُد

استاندارد زبان

فارسی زیرنظر

سازمان پژوهش های

علمی و صنعتی است.

برنامه های نشر ادامه می دادیم، در حال حاضر می توانستیم با برنامه های نشر خارجی رقابت کنیم. الان که به تصمیم آن زمان نگاه می کنیم، به نظر می رسد که پیش بینی های ما با آن چیزی که اتفاق افتاد چندان مطابق نبود. شاید اگر یک برنامه نشر فارسی روی ویندوز وجود داشت، با استقبال خوبی مواجه می شد. من معتقدم که برنامه نشر باید تولید داخلی باشد، دلیل اصلی این اعتقاد ریزه کاری ها و دقایق زبان فارسی است. هیچ برنامه خارجی وجود ندارد که ریزه کاری های زبان فارسی را رعایت کرده باشد. ما در تحقیقی یک ساله مطمئن شدیم که خط فارسی و عربی، با وجود خاستگاه یکسان و تشابه ها، قوانین کاملاً متفاوتی دارند. به همین خاطر به خط فارسی باید با یک دید اختصاصی نگاه کرد، زبان فارسی جز زبان های هندواروپایی است، اما زبان عربی جزو زبان های سامی است. زبان های هندواروپایی خاصیت ترکیب پذیری دارند، یعنی کلمات جدید از کلمات موجود به اضافه یک پسوند یا پیشوند، یا ترکیبی از کلمات جدید به وجود می آیند؛ مثل نرم افزار. اما در عربی واژه براساس صیغه ساخته می شود. این تفاوت باعث می شود که حروف بزرگ و کوچک حکم خاصی در زبان فارسی داشته باشند. اگر به کاراکترهای یونی کد دقت کنید، براساس «تک نمادی» طراحی شده اند که این کار با زبان عربی تناسب دارد. در حالی که تفاوت حروف کوچک و بزرگ در زبان فارسی باعث می شود که حروف به سه نحو بر یکدیگر تاثیر داشته باشند. حروف کلمه «نامه ای» را اگر پشت سرهم بنویسید تبدیل می شود به «نامه ای». اگر در انتقال اطلاعات به صورت تک نمادی عمل کنیم، طرفی که اطلاعات را دریافت کرده متوجه نمی شود که اصل کلمه چه بوده، مگر این که بعد از «۵» کدی بزنید که بزرگ یا کوچک بودن آن را مشخص کند. این تفاوت باعث شده که کدی در یونی کد تعبیه کنند به نام ZWNJ، جالب این جاست که این کد با اصول یونی کد در تضاد است. در یونی کد اصل بر این است که کاراکتر

مشکلات زیادی شدیم، زیرا آن زمان اینترنت مثل امروز فراگیر و در دسترس نبود، منابع ما محدود به کتاب ها و سند هایی بود که گردآوری کرده بودیم. اما وجود پست اسکرپت در برنامه نشر، به نظر ما قدرت زیادی به آن می بخشید، اعم از مقیاس پذیر بودن قلم ها، جلوه هایی که به قلم ها اعمال می شد و... برخی از این امکانات هنوز هم در قلم های ترو تاپ تعبیه نشده است.

یکی دیگر از دلمشغولی های آن زمان من پیاده سازی خط نستعلیق در نشر الف بود. بعضی ها در امکان تحقق این کار شک داشتند، اما به این نظرات توجهی نکردیم و مشغول تحقیق روی نستعلیق شدیم. مهمترین مساله ای که به آن برخوردیم، تقطیع نستعلیق بود. به این معنی که در خط نسخ حرف «ت» یا «ع» چهار شکل دارد: اول، وسط، آخر چسبان، آخر غیر چسبان. اما در نستعلیق حدود شصت نوع «د» وسط داریم، و هر کدام از این ها بستگی به حرف قبل و بعد خود دارند. قلم های رایانه ای در آن زمان به ۲۵۵ کاراکتر محدود بود. اولین کاری که کردیم حذف نقطه از خط بود. این تدبیر تعداد کاراکترها را کمتر می کرد، با این تمهید می توانستیم برخورد مشابهی با «ب»، «پ»، «ت» و «ث» داشته باشیم. به این ترتیب اولین نسخه ای از نستعلیق را که ارائه کردیم، ۲۲۰ کاراکتر داشت. و به علت این محدودیت خط زیبایی نبود، اما کار ما در نشر الف ثابت کرد که نگارش خط نستعلیق در رایانه قابل شبیه سازی است. در نسخه های بعدی برنامه، فضای چهار قلم را به نستعلیق اختصاص دادیم. امتیاز دیگر نشر الف جذابیت رابط کاربری آن بود. ما سعی کردیم که تمام ظواهر ویندوز ۳.۱ را در برنامه تحت داس خود پیاده کنیم.

کارهای ما در آن زمان مطابق اصول طراحی نرم افزار پیش نمی رفت، و زمانی که حجم برنامه بزرگ می شد، اشکال هایی در آن پدید می آمد. مساله حافظه یکی از مشکلات اصلی نشر الف بود، که به محدودیت حافظه در داس برمی گشت. یکی از اشکالاتی که اکنون می بینم این است که برای پشتیبانی برنامه ای با این گستردگی و امکانات، وقت کافی و برنامه ریزی درستی در نظر گرفته نشده بود.

عرضه نشر الف با اقبال ویندوز ۳.۱ در ایران مقارن شد، بنابراین تصمیم گرفتیم با توجه به گسترش تدریجی ویندوز نزد کاربران، نسخه تحت ویندوز نشر الف را تهیه کنیم. با عرضه ویندوز ۹۵ ما برنامه «نامه نگار» را عرضه کردیم، که ظاهری مشابه Word داشت و یک سری امکانات مختص فارسی زبان ها را به آن افزوده بودیم. در همین حال Word در بازار ایران بیشتر و بیشتر نفوذ می کرد، زیرا با توجه به عدم رعایت قانون حق طبع در ایران و رایگان بودن آن، کاربران مایل به استفاده از این برنامه بودند. چنین شد که ما در ادامه سرمایه گذاری روی برنامه های نشر شک کردیم، زیرا رقابت با یک محصول رایگان خطرناک بود، و این در حالی است که تولید برنامه های نشر سرمایه گذاری فراوانی می طلبد. شرکت به این نتیجه رسید که ادامه این سرمایه گذاری به صرفه نیست. اما من هنوز فکر می کنم که اگر راهمان را در

الهه عصارى  
دارای مدرک لیسانس  
کامپیوتر و  
فوق لیسانس  
سیستم‌های دیجیتال  
از دانشگاه  
وست‌مینستر لندن  
است. او به مدت پنج  
سال سردبیر مجله  
انگلیسی‌زبان  
«محبوبه» بود و در  
سال ۱۳۶۹ همکاری با  
شرکت گام الکترونیک  
را آغاز کرد. مدتی  
مدیریت بخش  
نرم‌افزار این شرکت  
را بر عهده داشت و  
از سال ۱۳۸۱ به  
عنوان دبیر انجمن  
شرکت‌های  
انفورماتیک ایران  
مشغول به کار  
بوده‌است.



کنترلی نداشته باشید، می‌توانید کنترل نمایشی داشته باشید ولی اگر کنترل نمایش را حذف کنید به محتوای متن آسیبی نمی‌خورد. ولی اگر در فارسی کارکنتر کنترلی را حذف کنید، معنای متن عوض می‌شود. مثلاً غلطیاب املائی فارسی باید حتماً این کارکنتر کنترلی را لحاظ کند.

خلاصه بگویم، هر زبان ریزه‌کاری‌ها و ظرافت‌های خاصی دارد. اهالی آن زبان بهتر از هر کسی می‌توانند این ظرایف را درک کنند و به کاربرند. برنامه‌های نشر جایی است که باید این ظرافت در آن اعمال شوند. مثالی می‌زنم؛ تراز سطر را در نظر بگیرید، برای تراز سطر در خط فارسی دو راه داریم: تنظیم فواصل میان کلمات و یا انداختن کشیدگی میان حروف کلمات. معمولاً تراز صحیح با ترکیبی این دو به وجود می‌آید. خوب، حالا دقت داشته باشید که درج محل کشیدگی در زیبایی خط فارسی تاثیر مستقیم دارد. یا تنظیم شعر فارسی که در آن ردیف باید در تمام ابیات هم اندازه باشد و قوافی باید زیر هم قرار بگیرد و یک شکل باشد. علاوه بر این برای تراز شعر بهترین راه آن است که طویل‌ترین بیت شناسایی شود و باقی ابیات مطابق طول آن تنظیم شوند. با این اوصاف تصور می‌کنید زمانی می‌رسد که این اصول در برنامه Word رعایت شوند؟

تماس مستقیم با کاربر، از دیگر امتیازهای ماست. این گونه می‌توان به شکل مستقیم از نیاز و خواسته‌های کاربران مطلع شد، هم‌زبانی و هم‌فرهنگی باعث می‌شود که خواسته‌های آن‌ها بهتر درک شود. این‌ها همه نشانگر ضرورت کار کردن روی یک برنامه نشر فارسی است.

**عصاری:** برای تولید نرم‌افزار نشرالف، راه طولانی و پریچ و خمی طی شد. اما در مقطعی، با توجه به نرم‌افزارهای فرنگی که فارسی‌سازی شده بودند، احساس کردیم که چون فارسی‌سازی آن‌ها نیاز بیش از پنجاه درصد مصرف‌کنندگان را مرتفع می‌کند،

تولید نرم‌افزار نشر فارسی با این‌که از نظر فرهنگی با ارزش بود، از نظر اقتصادی به صرفه به نظر نمی‌رسید. به‌رحال شرکت‌های بخش خصوصی باید روی پای خود بایستند و توان خطر کردن بیش از حد را ندارند.

اگر در کشور ما کسانی به واقع نگران زبان، رسم‌الخط و فرهنگ زبان فارسی بودند، نشر رومیزی در ایران سقوط نمی‌کرد. شاید مشکل از ما بود که دنبال این کار نرفتیم، اما کماکان فکر می‌کنیم که پرداختن به یک برنامه نشر فارسی ضرورت تام دارد. تصور می‌کنم که این یک پروژه ملی است و حتماً تا مقطعی باید از سوی دولت حمایت شود. ما چنین پروژه‌هایی داریم، مانند OCR (تشخیص نوری کاراکتر) و غلطیاب فارسی، که سازمان برنامه و بودجه از آن‌ها حمایت می‌کند و اعتبارهایی مختص آن‌ها وضع شده است.

شرکت‌های خصوصی در کشور ما توان سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه را ندارند، بنابراین پروژه‌های مهم باید از سوی دولت حمایت شود. هنگامی که چنین تحقیقاتی به نتیجه رسید و اصطلاحاً پا گرفت، آن‌وقت شرکت‌های خصوصی مایل به سرمایه‌گذاری در آن خواهند شد. دقت کنید که هر پروژه‌ای که نیاز به تحقیقات گسترده دارد، مانند تشخیص گفتار، در ایران کاملاً دست‌نخورده باقی مانده است.

**هاشمی:** مازمانی پروژه‌ای به نام قرآن‌نگار داشتیم. موضوع آن کتابت قرآن با خط عثمان طه بود، اصل طرح این بود که با توجه به رواج قرآن کریم به خط عثمان طه در ایران، اعراب آن را از شکل عربی در آورده و مناسب خوانندگان فارسی‌زبان کنند. شورای عالی قرآن به فکر ساده‌سازی اعراب قرآن خط عثمان طه افتاده بود و می‌خواستند حاصل کار به عنوان قرآن رسمی جمهوری اسلامی عرضه شود. انجام این کار چند راه داشت؛ می‌شد از شخص عثمان طه بخواهند که مجدداً قرآن را به سفارش آن‌ها کتابت کند. یا این‌که قرآن فعلی را اسکن کرده و در برنامه‌های تصحیح عکس تغییرش دهند (بخشی از پروژه به این روش انجام شده بود). مدتی مشغول بررسی این راه‌ها بودند، هنگامی که با ما مشورت کردند گفتیم که راه حل این است که از خط عثمان طه قلمی بسازید و با آن مجدداً قرآن را حروفچینی کنید. حدود دو سال مشغول به این کار شدیم، خط عثمان طه را وارد رایانه کردیم و قطعات آن را شناسایی کردیم. عاقبت برنامه‌ای نوشتیم برای کتابت قرآن، که تحت سیستم عامل داس بود. قرآنی که حاصل کتابت با این برنامه بود عاقبت با چاپ نفیسی منتشر شد و در اجلاس سران کشورهای اسلامی به شرکت‌کنندگان هدیه شد. این کار دیگری بود که ما در ارتباط با نشر انجام دادیم.

**عصاری:** فکر می‌کنم بیشتر باید راجع به اقتصادی نبودن توضیح دهم: وقتی در کشوری فعالیت بازاریابی و فروش نرم‌افزار انجام می‌دهید که قانون حق طبع در آن رعایت نمی‌شود،

می‌خواهیم وارد مقوله نرم‌افزارهای تحت ویندوز شویم، بازار نرم‌افزار نشر متزلزل است. ما کار خود را روی سکوی ویندوز با نرم‌افزارهای اتوماسیون اداری ادامه دادیم، که موفقیت‌آمیز هم بود.

**هاشمی:** مساله این است که آیا فروش یک برنامه نشر، هزینه‌هایی را که برای تولید آن شده باز می‌گرداند یا خیر؟ من مثالی برای شما بزنم؛ ما در یک محاسبه نسبتاً دقیق نتیجه گرفتیم که ساخت یک قلم نستعلیق هزار قطعه‌ای، حدود شصت میلیون تومان هزینه دارد. طراحی و تولید بعضی از قلم‌های چاپی به یازده نفر سال نیاز دارد، هزینه مالی این نیروها را محاسبه کنید. آیا این هزینه بازگشت دارد؟ به همین دلیل است که شما در محیط ویندوز یک قلم درست و حسابی فارسی با رعایت اصول فنی ندارید و کاربران از همان قلم‌های طراحی مایکروسافت استفاده می‌کنند.

**عصاری:** ضربه‌ای که متحمل می‌شویم، ناشی از فقدان قانون حق طبع است. سرمایه‌گذاری در بسیاری از کارهای فرهنگی، مثل همین کار قلم که آقای هاشمی گفتند، امنیت ندارد. اگر ایشان عمرش را روی این کار بگذارد و فردا هم افرادی پیدا شوند و کار را تکثیر کنند، دست طراحی به کجا بند است؟

**هاشمی:** ما تجربه داریم که برنامه‌های نشر امور جانبی دارند که این امور باعث فرهنگ‌سازی و درآمدزایی می‌شوند. ما در حین طراحی نشر الف شش هفت نفر گرافیست در استخدام داشتیم که روی قلم‌های چاپی کار می‌کردند، حتی یکی از طراحان نشان‌های مذهبی و ملی طراحی کرده بودند که در برنامه‌های نشر به کار می‌آمد، به علاوه در جاهای دیگر هم، مانند روی لباس، قابل استفاده بود. هنگام رونق برنامه‌های نشر در ایران، بازار مناسبی برای طراحان قلم وجود داشت. اما الان چه کسی قلم طراحی می‌کند؟

**عصاری:** به هر حال دوباره می‌گوییم که این گونه فعالیت‌های فرهنگی، که در جهت اعتلای خط و زبان فارسی است، باید یک حامی دولتی داشته باشد. ما زمانی که روی الف کار می‌کردیم از درآمدهای دیگرمان خرج آن می‌کردیم. ما نگرش سودجویانه‌ای روی این قضیه نداشتیم. اما تا کی می‌شود این طور ادامه داد؟ همان لوگوهایی که ما عرضه کردیم، فکر می‌کنید به ارشاد عرضه نشد؟ اما نتیجه‌ای از این کار نگرفتیم. اگر الف ادامه پیدا می‌کرد، وضع نشر رومیزی فارسی بهتر از الان بود. ما روی خط نستعلیق، خط قرآنی عثمان طه، لوگوهای فرهنگی و مذهبی کارهایی کردیم که پیش از آن اصلاً سابقه نداشت، و زمانی که از پروژه قرآن‌نگاری ما حمایت شد این پروژه بسیار پیشرفت کرد.

امیدوارم که مسوولان دلسوز پی راه‌حلی برای این معضل (عدم وجود یک برنامه مختص نشر به زبان فارسی) باشند، در آن صورت مطمئنم که مشکل تا حد زیادی مرتفع می‌شود.

رقابت بی‌مفهوم است، و به عبارتی شما شروع نکرده باخته‌اید. چگونه می‌توان با نرم‌افزارهای فرنگی که به رایگان تکثیر می‌شود، رقابت کرد؟ نرم‌افزارهای قدرتمندی چون InDesign و QuarkXPress در دسترس همه هستند، کافی است که برنامه کوچک و ساده‌ای داشته باشید که امکان حروفچینی یا درج فارسی را در این برنامه میسر کند.

هنگامی که روی یک برنامه نشر فارسی کار می‌کنید، آن قدر به مشکلات گوناگون بر می‌خورید که عملاً باید از خیلی از ظرایف زبان فارسی صرف نظر کنید. در تورق مطبوعاتی که منتشر می‌شود متوجه بسیاری از اشکالات فنی می‌شوید که عمده این اشکالات به خاطر نابسند بودن برنامه‌های به کار رفته است. این اشکالات کم‌کم به چشم ما طبیعی و عادی می‌شود، حتی به ویراستاران و نمونه‌خوان‌ها می‌گوییم که از این اشکال‌ها صرف نظر کنند. مثلاً درج لغات انگلیسی را میان متن فارسی در نظر بگیرید، هزار دردسر و مشکل دارد. این مشکلات که با برنامه فارسی ساز رفع نمی‌شوند، باید فکری اساسی کرد. فکر اساسی هم طرح یک برنامه نشر داخلی و ایرانی است، این هم با توجه به حرف‌هایی که زدم در شرایط فعلی عملی به نظر نمی‌رسد.

نشرالف نسبت به رقبای خود از بعضی جهات خیلی پیش بود، ولی اگر می‌خواستیم وارد نسخه‌های تحت ویندوز نشرالف بشویم با توقعات جدید کاربران حرفه‌ای روبه‌رو بودیم، مساله دیگر چاپگر لیرزی نبود بلکه ماشین ایمیج‌ستر و پلیت‌ستر بود. اگر می‌خواستیم به نشرالف امکان خروجی گرفتن مستقیم را اضافه کنیم نیاز بود که در مبحث تفکیک رنگ و ترام وارد شویم، بحث تفکیک رنگ هم پیچیدگی‌های بسیاری دارد. مساله زمان را در نظر بگیرید، صحبت ما به هفت یا هشت سال پیش باز می‌گردد، خیلی از ابزارها و فناوری‌هایی که الان در دسترس هستند آن زمان در حد حرف هم نبود؛ و فناوری‌هایی مانند یونی‌کُد، تروتایپ، پی‌دی‌اف و... به قدرت امروز نبودند. انتقال یک برنامه به یک سیستم عامل جدید کار آسانی نیست، اما ما تحقیقاتی در این زمینه انجام دادیم و حتی به محصول هم رسیدیم. نامه‌نگار محصول ناموفقی نبود و ما حتی تعداد مناسبی از آن را صادر کردیم.

ما بخشی از عمر و جوانی خود را روی برنامه‌های نشر گذاشتیم، و رها کردن آن برای ما سخت‌تر از هر کس دیگری بود. به این کار عشق می‌ورزیدیم و با دل و جان کار می‌کردیم، اما کار موفق باید نتیجه مالی موفقی هم داشته باشد؛ فروش نشانه استقبال از زحمات تولیدکننده است. اما هنگامی که بر سر ادامه کار روی نشرالف تصمیم می‌گرفتیم، به نظر می‌آمد که این کار برگشت مالی نخواهد داشت. ما حتی در چند نمایشگاه با برخورد منفی کاربران ورد روبه‌رو شدیم. نمی‌خواهم بگویم که فضا ما را گرفت، اما در توان ما نبود که تحقیقات منظمی را روی آینده بازار برنامه‌های نشر صورت دهیم، ضمن این که چنین تحقیقاتی در بازار کشوری مانند ایران، آن هم در بازار نرم‌افزار، معلوم نیست که چقدر نتیجه داشته باشد. به هر ترتیب مشخص بود که اگر

**وقتی در کشوری  
فعالیت بازاریابی  
و فروش  
نرم‌افزار انجام  
می‌دهید که  
قانون حق طبع  
در آن رعایت  
نمی‌شود، رقابت  
بی‌مفهوم است،  
به عبارتی شما  
شروع نکرده  
باخته‌اید.**